

دریچه

ثبت رکورد تازه در شمار مبتلایان روزانه کرونا

● شرق؛ ویروس کرونا همچنان در ایران جان می‌گیرد و در هشتمین ماه ورود این ویروس و بیماری کووید ۱۹ به کشور همچنان شاهد رکوردشکنی تازه هستیم. تازهن‌ترین آمار رسمی اعلام‌شده از سوی وزارت بهداشت نشان می‌دهد که در ۲۴ ساعت منتهی به گزارش ظهر دیروز، بار دیگر شاهد افزایش آمار مبتلایان روزانه بوده‌ایم. براساس توضیحات دیروز «سیماسادات لاری»، سخنگوی وزارت بهداشت، مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۵۶۸هزارو ۸۹۶ نفر رسید. آخرین گزارش رسمی می‌گوید در ۲۴ ساعت منتهی به ظهر دیروز، ۲۹۶ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۳۲هزارو ۶۱۶ نفر رسید. لاری همچنین درباره آمار تازه ظهر دیروز گفت: «از شنبه تا یکشنبه چهارم آبان ۱۳۹۹ و براساس معیارهای قطعی تشخیصی، چهارهزارو ۱۹۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شد که دوهزارو ۴۱ نفر از آنها بستری شدند. بر این اساس مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۵۶۸هزارو ۸۹۶ نفر رسید. متأسفانه در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۹۶ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۳۲هزارو ۶۱۶ نفر رسید». بخش دیگری از گزارش رسمی دیروز وزارت بهداشت به آمار بهبودیافتگان این ویروس اختصاص داشت که لاری دراین‌باره گفت: «خوشبختانه تاکنون ۲۵۵هزارو ۵۴ نفر از بیماران، بهبود یافته یا از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند و همچنین چهارهزارو ۹۶۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند». درباره این ویروس و همچنین آمار مبتلایان، شمار تست‌های تشخیص این ویروس هم مهم است که توانایی کشور برای انجام این تست‌ها در ماه‌های گذشته بارها افزایش یافت. سخنگوی وزارت بهداشت در گزارش دیروز خود دراین‌باره هم گفت: «تاکنون چهارمیلیون و ۷۱۹هزارو ۵۹۷ آزمایش تشخیصی کووید ۱۹ در کشور انجام شده است. علاوه بر این استان‌های تهران، اصفهان، قم، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی، سمنان، قزوین، لرستان، اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویهوبوییراحمد، گیلان، بوشهر، زنجان، ایلام، خراسان رضوی، مازندران، چهارمحالوبختیاری، البرز، آذربایجان غربی، مرکزی، کرمان، خراسان شمالی، همدان، یزد و کردستان در وضعیت قرمز قرار دارند». براساس توضیحات لاری استان‌های هرمزگان، فارس، گلستان و سیستان‌وبلوچستان نیز در وضعیت نارنجی و زرد قرار دارند.

شیراز پایتخت فرهنگ و هنر ایران و یک مرجع واقعی معماری ایرانی است. بافت قدیم شهر، آینه ذوق و بینش باشندگان شهری با عقاید و نگرش‌های متفاوت در طی قرن‌هاست. با گذر زمان و افزایش جمعیت و اقتصاد ناپایدار و متزلزل، این کنج روی خاک، در معرض خطر نابودی قرار گرفته است. یکی از این بناها که با وجود تلاش علاقه‌مندان میراث فرهنگی شهر، دردره تخریب و ناگهان از جلوی چشم همگان غیب شد عمارت رافائل‌زاده در قلب شهر واقع شده بود؛ یکی از بی‌شمار ساختمان‌های ثبت‌شده در میراث فرهنگی.

این متن، گزارش یک تخریب است. یک هشدار که قرار نیست هشدار بماند. بناس‌ت اطلاعاتی بدهد از اینکه تخریب سیستماتیک هویت یک شهر چطور رخ می‌دهد و چه می‌شود که بیش از آنکه بدانی، از بودن تهی ش‌دای.

مشخصات عمارت

عمارت رافائل‌زاده در بافت میانی شهر، نبش خیابان مکتبی و خیابان رودکی در نزدیکی بلوار کریم‌خان زند شیراز واقع شده بود، نه‌چندان دور از محل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شیراز. سال ساخت بنا روشن نیست، ولی براساس عکس‌هایی که از این عمارت موجود است و با توجه به المان‌های سبکی به کار برده‌شده در معماری آن، به نظر می‌رسد ساخت بنا در اواخر سلطنت احمدشاه قاجار آغاز شده باشد و با شروع دوران پهلوی اول به پایان رسیده باشد. با وجود اینکه بیشتر ساختمان‌های این منطقه از بافت میانی شیراز، چه مسکونی و چه تجاری، متعلق به اواخر دوران قاجار و اوایل عصر پهلوی هستند و از نظر معماری، چه داخلی و چه خارجی، مورد توجه‌اند، عمارت رافائل‌زاده یک اثر منحصربه‌فرد به شمار می‌رفت. اداره میراث فرهنگی با دانش به این موضوع، این بنا را در دهم خرداد ۱۳۸۲ با شماره ۹۰۱۰ در زمره یکی از آثار ملی ایران به ثبت رساند. طبق گزارشی که آقایان سعید صف‌زاده و جمشید اسدی‌پور برای ثبت اثر در فهرست میراث فرهنگی فراهم کرده بودند، فرم این بنا به صورت مربع و حیاط مرکزی بوده است؛ همانند دیگر آثار عصر قاجاریه و پهلوی اول به‌خصوص در شیراز. مصالح به‌کاررفته در بنا، خشت، سنگ، آجر، چوب و گچ بوده است. «در قسمت شرقی و غربی دارای ساخت‌وساز» بوده. چپه غربی، در طبقه اول ایوان ستون‌دار داشته است و سرستون‌هایی تزیینی وگچ‌بری‌شده، طبقه زیرین، چهار در به سمت حیاط داشته است و بعد از آن یک راهروی وسیع که دسترسی به بخش‌های مختلف بنا را ممکن می‌کرده است. در سمت جنوبی بنا، راهرویی پلکانی قرار داشته است که دسترسی به طبقه فوقانی را ممکن می‌کرده است. در عمارت رافائل‌زاده هم، مانند دیگر بناهای شهر در عهد قاجار، مانند نارنجستان قوام، عمارت خدме در بخش جلو و عمارت اصلی در بخش انتهایی قرار داشته است. استاد نگارنده، معمار و پژوهشگر تاریخ علی بامداد، با استناد به عکس‌هایی که از این عمارت وجود دارد، معتقد است استفاده از پوشش دهانه تخت



با گچ‌بری لُکه (کلوخی) در ایوان ستون‌دار عمارت، نشان‌دهنده جسارت معمار است. از گزارش ضمیمه میراث برمی‌آید که پلان بنا نسبت به محور عمودی قرینه بوده، ولی نمای بنا کاملاً قرینه بوده است یعنی اصل قرینه بی‌فرینگی در عدم انطباق نقشه (پلان) و نما دیده می‌شود.

معمار عمارت

درباره معمار این عمارت اطلاعاتی وجود ندارد. نظر به تشابهاتی که معماری این اثر با آثار مشابه هم‌زمان با خود دارد، دیگر استاد نگارنده الهام دهقانی، معمار و پژوهشگر تاریخ، محتمل می‌داند که معمار عمارت رافائل‌زاده هم با رویکرد آزادانه به معماری طراحی شده است چنین احتمالی بعید به نظر نمی‌رسد. قیاس تشابهات معماری عمارت رافائل‌زاده با دیگر آثار استاد مهندسی (خانه ممتازی، خانه جمشیدی، گاراژ ایران‌پیما و خانه بهارلو) این گمان را تقویت می‌کند.

عمارت رافائل‌زاده در نزدیکی محله کلیمیان شیراز که از محله میدان شاه (میدان شهرداری) تا محله بازار مرغ (چهارراه مشیر) را شامل می‌شده، بنا شده بوده است. بر اساس تحقیقات نگارنده، مالکان اصلی این عمارت، اقاما‌شاءالله و طاووس خانم رافائل‌زاده، از کلیمیان خوشنام شیراز بوده‌اند. فرزند اول این خانواده، منیر رافائل‌زاده و همسرش نینتاج نوبندگانی نسل دوم خاندان رافائل‌زاده بوده‌اند که در این خانه زندگی کردند. به گفته هومن سرشار، نتیجه خاتواده، طاووس خانم تا سال‌های آخر حیاتش ساکن این عمارت باقی مانده بوده است. منیر در سال ۱۳۲۶ به تهران مهاجرت می‌کند و همسر و فرزندانش در ۱۳۲۷ به او ملحق می‌شوند. اینکه پس از فوت طاووس خانم و مهاجرت فرزندان به تهران و سپس به خارج از کشور، چه کسی مالکیت خانه را در اختیار داشته خواد، معلوم نیست. در گزارش ضمیمه پیشنهاد ثبت در میراث که در سال ۱۳۸۲ تهیه شده نقل شده است که «ساخت‌وساز ضلع غربی منزل رافائل‌زاده در حال حاضر جهت انبار مغازه عطاری مجاور واگذار شده است.

جامعه

از دختر آبادانی تا مرد مشهدی؛ خشونت در ملأ عام



پسر مشهد

روز شنبه، ویدئویی در یکی از رسانه‌های خارجی منتشر شد که حکایت از برخورد خارجی‌تأمیز پلیس انتظامی مشهد با مردی جوان دارد. مردی که در این گزارش مهرداد سپهری نامیده می‌شود حالا درگذشته و خانواده او مدعی هستند پزشکی قانونی دلیل مرگ او را تلویحا استنشاق بیش از حد اسپری فلفل که پلیس به صورت او زده، عنوان کرده است. در این ویدئو مردی دستانش به میله بسته شده است. مأمور پلیس به او نزدیک می‌شود و به او شوکر می‌زند و می‌گوید: «حالا فحشش بده، هی

حق دخالت درباره این ماجرا را ندارند. پدر او هم در گفت‌وگویی این‌ماجرا را تأیید می‌کند و می‌گوید اختلافاتی بین خودشان بوده. اختلافاتی که البته طرفین درباره‌اش توضیح نمی‌دهند، اما به نظر می‌رسد با اعلام اینکه دختر جوان تحت درمان روانی است، مجوزی برای کتک‌زدن و البته توهین به او صادر می‌شود. روز گذشته فیلمی هم از خانواده مردی که دختر جوان با «شوکر» کارد و اسید و تینر» به خانه آنها رفته و خواسته به او پول و طلا بدهند، منتشر شد. اما آیا همه اینها می‌تواند مجوزی برای کتک‌زدن دختر و همچنین آزار جنسی او باشد؟

درگیری تقاضای کمک شده که این مداخله به مرگ مردی جوان منجر شده است. این نزاع خانوادگی و درگیری بین مرد جوان و پدرزن وی روی داده بود و پس از آن خانواده از پلیس تقاضا کرده بود که برای خاتمه‌دادن به این درگیری مداخله کند. پس از حضور پلیس در محل، مرد جوان که معتاد به مواد مخدر بوده است، حین انتقال از محل با پلیس نیز درگیر می‌شود که در ادامه منجر به مرگ وی می‌شود. هم‌اکنون پرونده مرگ این جوان در پزشکی قانونی در حال رسیدگی است تا علت مشخص شود. در هفته‌های گذشته این‌دومین بار است که مردم نسبت به رفتار نیروی انتظامی معترض می‌شوند. پیش‌تر به خاطر اوباش‌گردانی و ضرب‌وشتم متهمان در ملاعام اعتراضاتی گسترده توسط فعالان مدنی اتفاق افتاد و قوه قضائیه ضمن انتقاد از رفتار نیروی انتظامی اعلام کرد که با متخلفان برخورد می‌کند. ویدئو منتشرشده در ۴۸ ساعت گذشته بار دیگر صدای اعتراض مردم را بلند کرد. آنچه در این ویدئو ناراحت‌کننده است، مردمی هستند که به تماشای رفتار خشونت‌آمیز پلیس آمده‌اند و با لبخند به صحنه نگاه می‌کنند. به نظر می‌رسد خشونت در ملاعام دیگر برای مردم هم عادی شده است.

کشور خارج بشود؟ بنا به گفته همسایگان، صدماتی که در سال‌های اخیر به پیگرد ساختمان وارد شده، تعدما و به دور از چشم مسئولان به قصد تخریب ساختمان انجام شده است. دردناک این است که عمارت رافائل‌زاده یکی از صدها خانه‌ای است که می‌شد رای مردم این مملکت بمانند. بنا به گفته کارشناسان و فعالان حوزه میراث فرهنگی، آنچه بر سر اغلب ساختمان‌های بافت قدیمی شهر و به‌ویژه آنهایی که شناسایی و ثبت شده‌اند می‌آید این است که اغلب این مکان‌ها دارای مالک خصوصی‌اند و مالک خصوصی اگر نتواند ملک را به قیمت به میراث فرهنگی بفروشد، نمی‌تواند برای مرمت یا تغییر کاربری‌اش حمایت مالی کسب کند، بنابراین ترجیح می‌دهد آتش به مال خود و هویت و تاریخ شهرش بزند تا دست‌کم زمین اثر را «زنده کند». نوک پیکان انتقاد این متن به سمت مالک خصوصی نیست، به سمت میراث فرهنگی نیست؛ بلکه به سمت ماست. به سمت قوانین ناکارآمد ماست. هر روز در اخبار می‌آید که یک میراث فرهنگی ثبت‌شده دیگر از دست رفت. دیوار قوانین کشور برای حفظ و نگهداری میراث تاریخی‌اش کوتاه است وگرنه پای گفت‌وگو با هر کس بنشین، مردم و مسئول و مأمور و معذور، همه از اینکه «چقدر قدیم‌ها خوب بود» حرف می‌زنند و حقیقتا چه باک از نوستالژی‌زدگی و رمانتیسیم‌غلو شده نسبت به گذشته اگر این شهر را برای کودکان فردا حفظ می‌کرد؟ یا شاید ۶۰۰ سال پس از حافظ شهر، هنوز هم ملالت همه ما از علم بی‌عمل است؟



رافائل‌زاده را به چشم خود دیده است و از آن عکاسی کرده است. مجاورت این عمارت با محل ساختمان اداره میراث فرهنگی شیراز در خیابان رودکی و ویژگی‌های سبکی و معماری این بنا توجه من را که دانشجوی معماری هستم به خود جلب کرده بود. سوآلی که پیش می‌آید این است که چگونه می‌شود خانه‌ای بیش از ۸۰ سال برقرار بوده باشد و ناگهان و پس از ثبت ملی در عرض چند سال ناگهان بدل به ویرانه بشود؟ چه می‌شود که بعد از ثبت عمارت، نه‌تنها نگهداری و مرمتی روی بنا صورت نمی‌گیرد، بلکه به‌تدریج تبدیل به متروکه‌ای می‌شود که تنها زمینش ارزش دارد و به‌ناچار و با شکایت مالک باید از فهرست میراث فرهنگی



چو آبگینه شکسته

روزبه احمدی

سرنوشت عمارت

سرنوشت عمارت رافائل‌زاده، داستانی است پر آب چشم. در همین گزارش میراث فرهنگی، به کاربری تجاری بخشی از بنا و کاربری مسکونی بخش دیگری از بنا و همین‌طور لزوم مرمت اساسی آن اشاره شده است. «با توجه به آسیب‌هایی که به ضلع غربی وارد آمده لزوم توجه بیشتر به نگهداری بنا یادآوری می‌شود.» تا سال تهیه این گزارش (۱۳۸۲) با استناد به همین گزارش و مشاهدات همسایگان، عمارت در وضعیت مقبولی قرار داشته است و با کمی توجه، امکان مرمت و بازسازی بخش‌های تخریب‌شده آن هم وجود داشته است. نگارنده در سال ۹۶ عمارت

پروانه مطب به شماره ۱۱۷- ۶۱۴۹۹- ۲۲۲ به تاریخ صدور ۹۰/۰۵/۱۱ و تاریخ اتمام ۹۵/۰۷/۱۵ با شماره نظام پزشکی ۶۱۴۹۹ به نام دکتر مصطفی رجبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.	سند کمپانی خودروپژو پارس XU۷ رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور 124K1475281 و شماره شاسی NAAN01CE0LH256608 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
آگهی مزایده مرکز آموزش بازرگانی مرکز آموزش بازرگانی در نظر دارد یک دستگاه خودروی سمند سفید رنگ مدل ۱۳۹۰ مزاد بر نیاز خود را با شماره ۵۷/۸۱۷/۲ به فروش برساند. متقاضیان می توانند جهت بازدید و تکمیل فرم مزایده در روزهای دو شنبه و سه شنبه ۵ و ۶ آبان از ساعت ۱۱ تا ۱۵ به آدرس ذیل مراجعه نمایند؛ آدرس: خیابان کارگر شمالی، نیش کوچه همدان، پلاک ۱۲۰۴. موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی (مرکز آموزش بازرگانی) - طبقه اول کارشناس مرکز: آقای دشنی ۰۹۱۷۲۷۷۹۴۴۹۸ آقای صفری ۰۹۱۷۲۷۹۵۶۱۱۲ تلفن ثابت:۰۸۹۵۰۱۴۶	سند کمپانی خودروپژو پارس TU۵ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ به شماره موتور 13491000450 و شماره شاسی NAAN51FAXCK234229 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز و بنجاح موتور سیکلت BENELLI رنگ زرد مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۴۲- ۹۱۴۴۱ و شماره موتور 0249N23122352 و شماره شاسی N23DDBJDFH1J01407 به نام سالار بابالوئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	برگ سبز و کارت خودرو سایپا تپیا رنگ آبی تیره متالیک مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۴۴- ۸۲ ه ۳۳۵ و شماره موتور 8123989 و شماره شاسی NAS811100E5775697 به نام علیرضا آهنی رود معجنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز خودرو ام وی ام X۳۳ رنگ قهوه ای متالیک مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۸۸_ ۳۲۸ ل ۱۸ و شماره موتور MVM484FAFE029450 و شماره شاسی NATGBAXK0E1029609 به نام کامبیز دهقان نژاد کاسگری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	جواز حمل اسلحه ساچمه زنی تک لول ساخت ایران به شماره سلاح ۴۱۹۰۰۶۹۰ و شماره جواز ۲۰۶۴۴۰۸ به نام مریم مصباح مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت رهرو رنگ زرد مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۱۲۵- ۷۱۲۹۶ و شماره موتور 0124NBJ393254 و شماره شاسی NBJ***125G9306462 به نام محمدرضا اکبری زر جی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	کارت شناسایی شرکت فرودگاه های کشور اینجانب حمید رضا یزدی زاده البرز به شماره ۵۰۴۷۷۵۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی موضوع ماده۳ قانون وماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمنهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره۱۹/۰۴۵۱۹-۳۱۰۰۰-۱۳۹۶-۱۰-۰۴-۹۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمنهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بابل تصرفات مالکانه بلا معارض آقای حسین عباسقلی زاده سرستی فرزند علی به شماره شناسنامه ۵۱۳صادره از بابل با کد ملی ۲۰۶۰۷۴۹۰۸۵ متقاضی کلاسه ۱۰۵۹ در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احدثی در آن به مساحت ۱۹۵.۰۵متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲۵-۱۶اصلی واقع در بخش شش حوزه ثبت ملک بابل ثبت و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردووبست به فاصله ۱۵روز ازطریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگهی میگردد درصورتی که اشخاص ذی نفع به رای صادره فوق اعتراض دارند میتوانن در تاریخ انتشار اولین آگهی در روزستاها ازتاریخ الصاق بمدت ده ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و رسید دریافت نمایند ومعترض باید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید در این صورت اقدامات ثبت، موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است بدیهی است درصورت نقضان سند مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر وخواهدشد صدور سند مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نمیشاد. م الف ۱۹۹۰۶۰۱۱
تاریخ انتشارنوبت اول:۷-۱۹-۹۹تاریخ انتشارنوبت دوم:۵-۰۸-۹۹
شهرام خسروی رئیس ثبت اسناداملاک بابل

www.sharghdaily.ir

آن ذریه پاک پیامبر اکرم (ص) را مسلت داریم».